



احسان طهماسبی
منتقد سینما:

«کوری» درگیر کلیشه‌های رایج است

سریال «کوری» با محوریت یک حادثه واقعی، روایتی جنایی را دنبال می‌کند که در قسمت‌های ابتدایی با واکنش و توجه مخاطبان همراه شده است. احسان طهماسبی، منتقد سینما، در میز نقد این هفته روزنامه صبا درباره میزان موفقیت سریال در پرداخت اجتماعی به این حادثه، بازی بازیگران و تصویر دستگاه قضایی صحبت کرده است.

آیا «کوری» تا اینجا روایت، صرفاً به بازگویی یک حادثه پرداخته یا توانسته ابعاد اجتماعی و پیامدهای عمیق تر آن را نیز مورد واکاوی قرار دهد؟

باید بگویم که نه، به واقع این اتفاق نیفتاده است. ببینید، وقتی ما درباره یک حادثه که در واقع بازخورد اجتماعی دارد صحبت می‌کنیم، همان‌طور که این موضوع در سؤال شما هم مستتر است، خیلی وقت‌ها درگیر بازسازی یا توصیف و توضیح یک حادثه می‌شویم و شروع می‌کنیم به ارائه گزارش‌های مرتبط با آن حادثه یا رویکرد دستگاه‌های قضا و پلیس و مردم و خانواده و این‌ها به آن موضوع، و وارد مسئله و دغدغه اجتماعی موضوع نمی‌شویم.

تا به اینجا این سریال دقیقاً همین اتفاق می‌افتد؛ یعنی ما چیزی بیشتر از آن اتفاق و حوادثی که منجر به آن اتفاقاتی شده که در فیلم رخ داده را دیگر نمی‌بینیم. به نظر می‌آید خود موضوع و این اتفاقی که دارد می‌افتد می‌تواند آن قدر شوک‌آور باشد که طبیعتاً بیننده را تحت تأثیر قرار بدهد، ولی این به معنای واکاوی و تأثیرگذاری اجتماعی یک رخداد نیست.

در بهترین حالت می‌تواند یک تأثیر زودگذر و یک احساس، در واقع ناراحتی، خشم، پشیمانی، غم یا هر حسی را، مثل خیلی از ملودرام‌ها، ایجاد کند و وارد لایه‌های اجتماعی اثر نشود.

اگر بخواهیم از میان بازیگران «کوری» به بازی‌ای اشاره کنیم که توانسته با وجود ضعف‌های کلی سریال، به کیفیت آن کمک کند، کدام بازیگر را انتخاب می‌کنید و این تأثیرگذاری را ناشی از چه می‌دانید؟

ببینید، اساساً «کوری» درگیر دیالوگ‌های لحظه‌ای و آتی، واکنش‌های لحظه‌ای و دیالوگ‌های تأثیرگذار به واسطه آن مسئله و آن جرم است؛ دیالوگ‌هایی که در ذهن باقی می‌ماند و طبیعتاً بازیگری که آن دیالوگ را درست بتواند ادا کند، می‌تواند تأثیرگذاری خوبی هم روی ذهن مخاطب داشته باشد.

در این سریال، در واقع امیر نوروزی بازی خوبی را

دستگاه قضا می‌شود و مسئولیت‌های اجتماعی بسیار مهمی را بر عهده دارد، به این معنی نیست که از هیچ‌یک از وجوه شخصیتی، زندگی فردی یا اجتماعی‌اش می‌رست و هیچ نقطه‌ضعفی ندارد. اینجا هم این نقطه‌ضعف وجود دارد. رفتارهایی که در ارتباط نداشتن او با دخترش می‌بینیم، یکی از این نقاط ضعف است. اما همین عدم ارتباط، امیر جعفری را کمی قابل‌باورتر می‌کند و باعث می‌شود او کاملاً سفید نباشد؛ چون آدم کاملاً سفید یا حتی کاملاً سیاه هم چندان قابل‌باور نیست.

در مقابل، مسئولی که آقای عباس جمشیدی نقش او را ایفا می‌کند و مسئول دستگاه قضاست، وجهی تک‌بعدی دارد و همه‌چیز را از یک منظر می‌بیند. حتی ظاهر و پوششی که برای او در نظر گرفته‌اند، با یقه بسته و حال و هوای دیپلماتیک، و همچنین رفتارها، حرکات و ژست‌هایی که آقای جمشیدی دارد، او را تا حدی در قالب ظاهری یک مسئول قضایی قرار داده است.

شاید همه مسئولان قضایی این مدل نباشند، اما ما در اینجا فقط یک مسئول قضایی را می‌بینیم. از طرف دیگر، تقریباً یک بازپرس را هم می‌بینیم که اتفاقاً همین بازپرس، همان فردی است که ۱۵ سال قبل پرونده آقای شمس را داشته است. همین موضوع خودش باعث جذابیت می‌شود که چه اتفاقی افتاده که یک نفر در طول ۱۵ سال، هر دو پرونده را بررسی می‌کند.

من فکر می‌کنم شخصیت امیر جعفری باورپذیرتر است، اما شخصیت مسئول قضایی، حداقل در حدی که ما به‌عنوان یک شهروند از مسئولان قضایی می‌بینیم، احتمالاً به آنچه در سریال نمایش داده شده نزدیک‌تر است.

مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف سریال «کوری» تا اینجا داستان چیست؟

مهم‌ترین نقطه قوت سریال «کوری»، پرداختن به یک اتفاق واقعی است و روندی که در ادامه در پیش می‌گیرد تا بتواند میزان لازم و قابل‌توجهی از آگاهی را در ارتباط با مشروبات الکلی و مشروبات الکلی تقلبی به مخاطب گسترده‌ای منتقل کند. قطعاً این موضوع نقطه قوت سریال است.

چرا؟ چون ما این اخبار را قبلاً شنیده‌ایم و مردم هم این اخبار را شنیده‌اند و ممکن است به‌راحتی از کنار آن گذشته باشند. اما حالا که این موضوع با روایت داستانی ترکیب می‌شود، جذابیت بیشتری ایجاد می‌کند و قطعاً تأثیر بسیار بیشتری نسبت به یک خبر یا گزارش رسانه‌ای خواهد داشت.

یک مسئله اینجاست و آن، تفاوت نسلی است که در سریال می‌بینیم؛ پدرانی که حداقل در ظاهر، آن‌ها شکاف نسلی شدیدی وجود دارد و ارتباط میان آن‌ها شکل نگرفته است.

ما این مسئله را در رابطه امیر جعفری و آوا می‌بینیم؛ اینکه چقدر با یکدیگر فاصله دارند. این گسست نسلی که بین پدران، خصوصاً پدرانی که در سریال نمایش داده می‌شوند و ظاهر مذهبی و مقدی دارند، می‌بینیم، به این معناست که نتوانسته‌اند به‌گونه‌ای رفتار کنند که فرزندان‌شان ادامه‌دهنده راه آن‌ها باشند و تأثیر اخلاقی، اجتماعی و معنوی آن نگاه مذهبی را در تربیت فرزندان‌شان ببینیم.

مسئله دیگر این است که در این گسست نسلی که ما به این وضوح در سریال می‌بینیم و قطعاً یک مسئله تلخ اجتماعی و خانوادگی است، آیا چنین تفاوتی در خانواده‌های غیرمذهبی هم وجود دارد؟ یعنی آیا آن‌ها نتوانسته‌اند در ارتباط‌ها، اتفاق‌ها و

اما آقای دانشی، با توجه به علاقه‌ای که اساساً به سوزهای واقعی دارد و به‌خصوص با دسترسی‌ای که به پرونده‌های واقعی دارد، منطقی را برای پرداختن به این موضوع انتخاب کرده که کاملاً هشداردهنده است. از این منظر، خیلی راحت می‌توانیم بگوییم که وقتی تا الان چندین قسمت از سریال پخش شده و آسیب‌های ناشی از مصرف مشروبات الکلی را نشان می‌دهد، با یک هشدار و یک اثر اجتماعی جدی مواجه هستیم.

اما وقتی به اتفاقات اخیر و موضوعی که در ادامه روایت داستانی شکل می‌گیرد، می‌رسیم، به نظر می‌رسد نوعی قاچاق مواد پریشکی مطرح می‌شود.

آقای شمس در سال‌های گذشته اشتباهی را مرتکب شده بوده و یک پرونده قضایی تشکیل شده که در نهایت منجر به از هم پاشیده شدن زندگی شیدا و شوهرش، یعنی پدر و مادر آوا، شده است. فردی که مسئول آگاهی بوده، قاضی بوده یا هر مسئول دیگری، رأی را صادر کرده و این اتفاق منجر به ایجاد یک بغض و کینه شدید شده است.

حالا اتفاق‌های داستان، از گم شدن یا دزدیده شدن بچه گرفته تا اتفاقاتی که در ادامه می‌افتد داستان را از موضوع اولیه دور می‌کند.

موضوع اولیه چه بود؟ آثار مخرب نوشیدنی‌های الکلی. به‌خصوص در قسمت‌های اول و دوم دیدیم که افشار مختلف اجتماعی چقدر درگیر این مسئله هستند و چه فاجعه دیگری در حال رخ دادن است؛

اینکه طبقات کم‌درآمد و طبقات پایین اجتماعی، برای جبران این کمبود اقتصادی یا رفع این مسئله، دست به تولید مشروبات الکلی تقلبی می‌زنند. این موضوع آسیب را چندین برابر می‌کند، چون خود مشروبات الکلی نیز مخرب هستند و تأثیرات بدی بر جسم، روح و روان فرد و در نهایت بر زندگی او دارند؛ حالا دیگر چه برسد به اینکه نوشیدنی‌ها تقلبی هم باشند، موضوعی که در اخبار نیز بسیار درباره آن شنیده‌ایم.

ارزیابی شما از بازی بازیگران سریال «کوری» چیست و انتخاب این بازیگران را تا چه اندازه متناسب با نقش‌هایشان می‌دانید؟

من بازی‌ها را خوب می‌بینم، آقای امیر جعفری، انتخاب شده‌اند. خانم میلزارعی، آقای امیر جعفری، آقای محسن قصابیان و خانم سارا بهرامی، همه بازیگران خوبی هستند که امتحان خودشان را بارها و بارها پس داده‌اند.

بنابراین، این موضوع به من اجازه نمی‌دهد فکر کنم که اگر بازیگر دیگری این نقش را ایفا می‌کرد، نتیجه بهتر می‌شد. قطعاً دلیل این انتخاب‌ها، شخصیت و قالبی است که هر یک از این بازیگران می‌توانسته‌اند در آن نقش پیدا کنند و جذابیت لازم را برای مخاطب داشته باشند.

این سؤال برای من مطرح نشد که اگر به جای آقای امیر جعفری، بازیگر دیگری این نقش را بازی می‌کرد، بهتر بود. هر کدام از آن‌ها شخصیت‌های اصلی خودشان را دارند و نقش خودشان را به خوبی بازی می‌کنند.

تصویر سریال «کوری» از دستگاه قضایی و شخصیت بازپرس را تا چه اندازه واقع‌گرایانه و باورپذیر می‌دانید؟

شخصیت امیر جعفری به‌عنوان کارآگاه و بازپرس این پرونده و همچنین آقای امیر نوروزی که به کار اضافه شدند، خیلی خوب نقش یک بازپرس را ایفا می‌کنند. اتفاقاً وقتی ما نقطه‌ضعف‌هایی را در شخصیت امیر جعفری می‌بینیم، این موضوع شخصیت او را خیلی باورپذیرتر می‌کند؛ چون هیچ انسانی کاملاً سیاه یا کاملاً سفید نیست، خصوصاً وقتی فردی در چنین جایگاهی قرار می‌گیرد و وارد

ارائه می‌دهد، ولی چیزی که مشهود است این است که این بازی به واسطه کارگردانی نیست. در کارهای قبلی این بازیگر هم هرچند نقش کوتاهی داشته، مانند سریال‌هایی مثل «مریخ» و موارد مشابه مثل «گل‌سنگ» و این‌ها بوده‌ایم؛ ولی توانایی بازیگر و شیوه دیالوگ‌گویی‌اش و تأثیری که از نقش و شناخت درستی که از نقش و شخصیت گرفته، مشهود است. راستش این را نمی‌توانم به واسطه کارگردانی بدانم و ارزشی برای کارگردان در بازی این بازیگر قائل بشوم، ولی می‌توانم بگویم که او نقش تأثیرگذاری در این سریال دارد و توانسته در واقع تا حدودی این کیفیت کم را هم ارتقا بدهد.

انتخاب بازیگران «کوری» تا چه اندازه با شخصیت‌ها و فضای نقش‌ها هماهنگ بوده است و آیا کارگردانی توانسته از ظرفیت بازیگران به‌درستی استفاده کند؟

به نظرم اصلاً انتخاب‌های خوبی اتفاق نیفتاده است. بارزترین و مهم‌ترینش عباس جمشیدی فر است؛ نه به واسطه اینکه صرفاً یک بازیگر کمی است و نه به واسطه اینکه حضورش در تمام این برنامه‌های گفت‌وگومحور و سریال‌ها و موقعیت‌های طنز باعث شده که از این نقش دور باشد؛ نه، این طور نیست. ولی اساساً حتی به واسطه ضعف کارگردانی و همین‌طور درک و عدم درک صحیحی که از نقش داشته، حتی شیوه اجرای این نقش را هم که نقش بازپرس را دارد، به غلط در قالب شخصیت و نقشی که در این سریال دارد، اجرا کرده است.

این به هر حال نشان می‌دهد که در مورد این بازیگر در این سریال یا موارد مشابه که به خاطر ضعف کارگردانی اتفاق می‌افتد، به نظر می‌آید که هم فقط الرجال در انتخاب بازیگر در این سریال بیشتر مشهود است و هم اصرار این تیم که حتماً از آن بازیگرهای موردپسند و مورد علاقه خودش استفاده کند و هم ضعف کارگردانی در هدایت بازیگر.

به نظر شما تصویر سریال از دستگاه قضا و نحوه مواجهه آن با مجرمان تا چه اندازه واقع‌گرایانه است و آیا «کوری» توانسته از کلیشه‌های رایج در این زمینه فاصله بگیرد؟

ببینید، به نظر من در مورد این سؤال دو نکته وجود دارد. نکته اول اینکه ما رگه‌های زیادی از کلیشه را در مواجهه با سیستم قضا و رویکردی که به دستگاه قضا و برخوردش با مجرم وجود دارد، می‌بینیم و بخشی هم درگیر واقع‌گرایی شده که اساساً انتظار می‌رود در سریالی این چنینی مشاهده شود.

نکته دوم این است که به هر حال، آن اکببی که این سریال و سخن آقای دانشی و حالا در واقع سایر دوستانی که دارند در این حوزه کار می‌کنند، اساساً وامدار دستگاه قضا برای تولید فیلم‌هایشان هستند و بخش زیادی از حمایت و سرمایه‌گذاری توسط آن‌ها در این کار و کارهای مشابه گذشته انجام شده است.

بنابراین ما انتظار داریم که این تصویر، در واقع گاهی از تصویر واگرایی خارج شود و شیوه جانبدارانه‌تری نسبت به این موضوع داشته باشد. به نظرم این سریال هم تا حدودی به این رویکرد نزدیک شده، ولی به هر حال سعی کرده که تا میزانی جانب انصاف را هم داشته باشد و سعی کند بعضی از این چالش‌ها را هم ملاحظه کند.

ولی نکته‌ای که وجود دارد این است که این تصویر، تصویری است که از کلیشه مخاطب هم چندان فاصله‌ای نگرفته و همان کلیشه‌های لازم و آن مواردی را که دستگاه قضا برای ساخت چنین سریال‌هایی حتماً حائز اهمیت می‌داند، حفظ و رعایت کرده است.

